

نقدی بر الگوهای توسعه اقتصادی غرب و بیان راهکارهایی جهت تدوین الگوی اسلامی-اقتصادی پیشرفت

سید محسن اقبالی^۱، مجتبی خالصی^۲

چکیده

توجه به اقتصاد در توسعه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جوامع نقش ویژه‌ای دارد، لذا اهتمام ویژه به این بخش سبب رشد و شکوفایی جوامع و افزایش رفاه عمومی می‌گردد. اسلام دو گونه پیوند با اقتصاد دارد: مستقیم و غیرمستقیم. پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد از آن جهت است که مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی درباره مالکیت، مبادلات، در زمینه ثروت و... دارد. پیوند غیرمستقیم اسلام با اقتصاد نیز از طریق اخلاق است. بعد از گذشت تقریباً یک قرن از بنای تئوری‌ها و الگوهای اقتصادی غربی و غیراسلامی، در عصر حاضر صدای خردشدن دنده‌های، این اسکت از درون پوسیده، به نجوایی دلخراش مبدل گشته است. در چنین زمانی است که ندای اقتصاد اسلامی را باید سرداد و با تمام وجود از موجودیت آن دفاع کرد. اقتصادی که نه بر پایه ربا و برده‌داری انسان‌ها، بلکه بر پایه آزادی و کرامت انسان‌ها بنا نهاده شده است. در این مقاله کوشیده‌ایم تا با بررسی تطبیقی تعدادی از نظام‌های اقتصادی و مقایسه آن‌ها با نظام اقتصادی اسلامی به دیدی کلی در این رابطه دست یابیم و در ادامه با تلفیق یافته‌های موجود با نظریه الگوی اسلامی- ایرانی توسعه، راهکارهایی جهت تدوین الگوی اقتصادی اسلامی پیشرفت ارائه نماییم.

واژه‌های کلیدی: توسعه اقتصادی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نظام سرمایه‌داری، کمونیسم.

۱- مقدمه

غربی‌ها یک تاکتیک زیرکانه تبلیغاتی را در طول سال‌های متمادی اجرا کردند و آن این است که کشورهای جهان را تقسیم کردند به توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته. خوب، در وهله اول انسان خیال می‌کند توسعه‌یافته یعنی آن کشوری که از فناوری و دانش پیشرفته‌ای برخوردار است، توسعه‌نیافته و در حال توسعه هم به همین نسبت؛ در حالی که قضیه این نیست. عنوان توسعه‌یافته - و آن دو عنوان دیگری که پشت سرش می‌آید، یعنی در حال توسعه و توسعه‌نیافته - یک بار ارزشی و یک جنبه ارزش‌گذاری همراه خودش دارد. در حقیقت وقتی می‌گویند کشور توسعه‌یافته،

^۱ کارشناس ارشد مدیریت تکنولوژی، دانشگاه علم و صنعت، sm_eghali@elec.iust.ac.ir

^۲ دانشیار دانشکده کارآفرینی و اقتصاد دانشگاه تهران

یعنی کشور غربی! با همه خصوصیاتش، فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت‌گیری سیاسی‌اش؛ این توسعه‌یافته است. در حال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی شدن است؛ توسعه‌یافته یعنی کشوری که غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست. این جوری می‌خواهند معنا کنند. در واقع در فرهنگ امروز غربی، تشویق کشورها به توسعه، تشویق کشورها به غربی شدن است! این را باید توجه داشته باشید. بله، در مجموعه رفتار و کارها و شکل و قواره کشورهای توسعه‌یافته غربی، نکات مثبتی وجود دارد - که من ممکن است بعضی‌اش را هم اشاره کنم - که اگر بناست ما این‌ها را یاد هم بگیریم، یاد می‌گیریم؛ اگر بناست شاگردی هم کنیم، شاگردی می‌کنیم؛ اما از نظر ما، مجموعه‌ای از چیزهای ضارزش هم در آن وجود دارد. لذا ما مجموعه‌ی غربی شدن، یا توسعه‌یافته به اصطلاح غربی را مطلقاً قبول نمی‌کنیم. پیشرفتی که ما می‌خواهیم چیز دیگری است. [۱] به رغم انقلاب‌های نئوکلاسیکی و کینزی، پیدایش مکتب‌های گوناگون اقتصادی، ارزش‌های حاکم بر این علم و محور اصلی اقتصاد از قرن هفدهم تاکنون بدون تغییر باقی مانده است. باید اذعان کرد که اندیشه‌های موجود در اقتصاد حاصل فکر بشر است. این گونه نیست که همه این اندیشه‌ها خلاف اسلام باشند. بعضی از این دیدگاه‌ها مانند قانون بازده نزولی، یا بهینه‌یابی مهندسی در تخصیص بهینه منابع نه تنها منافی با مبانی ما نیستند؛ بلکه در مبانی دینی ما بهینه‌یابی مهندسی، تأکید هم شده است. بنابراین، به دنبال این نیستیم که همه مباحث مربوط به اقتصاد را از نو بنیان‌گذاری کنیم، بلکه تلاش بر این است که ارزش‌های اسلامی که در راهبردهای اقتصادی در متون اسلامی وجود دارد را شناسایی کرده، بر اساس آن‌ها اقتصاد را تحلیل کنیم. ممکن است در صورتی که قالب‌های اقتصادی موجود گنجایش این مباحث را داشته باشد از همین قالب‌ها استفاده شود. [۲] علوم اقتصادی دانشی است که با توجه به کمبود کالا و ابزار تولید و نیازهای نامحدود بشری به تخصیص بهینه کالاها و تولیدات می‌پردازد. پرسش بنیادین برای دانش اقتصاد مسئله حداکثر شدن رضایت و مطلوبیت انسان‌هاست. نظام اقتصاد اسلامی عبارت است از مجموعه قواعد کلی ارائه شده در اسلام در زمینه روش تنظیم حیات اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی، در راستای تأمین عدالت اجتماعی. مسأله اقتصاد، به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی بشری، مطرح است، و اسلام نیز نگرش خاصی به آن دارد. اقتصاد اسلامی بر خلاف اقتصاد غربی، بر قناعت و پرهیز از مصرف‌گرایی تأکید دارد. اقتصاد غربی نیازهای انسان را نامحدود و منابع و امکانات جهان را محدود می‌داند؛ در حالی که در اسلام منابع و امکانات نامحدود معرفی شده‌اند. *وَإِنْ تَعَدَّوْا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا* (سوره ابراهیم، آیه ۳۴) اسلام مسأله اقتصاد را (بر اساس اصالت انسان) به عنوان جزئی از مجموعه قوانین خود که تنها می‌تواند قسمتی از نواحی حیات انسانی را تنظیم کند، مورد توجه قرار داده و حل مشکلات اقتصادی را در اصلاح مبانی عقیدتی و اخلاقی



مردم می‌داند. وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ (سوره الاعراف، آیه ۹۶)" اگر مردم ایمان آورده و پرهیزگار بودند، ما ابواب برکات زمین و آسمان را بر آنها گشوده بودیم."

اسلام اقتصاد را در جهت اهداف عالیّه بشر دانسته و بر این اساس، نگرش سوسیالیستی و یا سرمایه‌داری که اقتصاد را مبنا قرار می‌دهند، رد می‌کند. البته در قابل شمارش نبودن نعمت‌های خداوند شکی نیست ولی این آیه به نامحدود بودن منابع و امکانات خداوند اشاره نکرده چرا که قابل شمارش نبودن نعمت‌های خداوند دلیل بر نامحدود بودن آنها نمی‌باشد. در تفسیر و تحلیل رشد و توسعه اقتصادی، پیروان مکاتب اقتصادی کلاسیک، نئو کلاسیک، مکتب کینز و امثال آنها؛ دیدگاه‌های خاص خود را در جهت طراحی نظام اقتصادی مطرح نموده‌اند. به عنوان نمونه، کلاسیک‌ها در مورد بازار آزاد، نئو کلاسیک‌ها در زمینه کارآفرینی، پیروان مکتب شیکاگو در زمینه نقش آموزش، طرفداران فیزیوکراسی در خصوص کشاورزی و مکتب سوداگران (مرکانتلیسم) در زمینه مازاد صادرات؛ نظرهای ارزشمندی را مطرح نموده‌اند. [۳] آنچه که در بررسی نظام‌ها و مکاتب اقتصادی غربی قابل توجه و شایان ذکر است این مطلب می‌باشد که: نظام‌های پولی و سرمایه‌داری در حال حاضر رو به فنا و زوال گذاشته‌اند و فلسفه وجودی آنها در مرحله فنا و نابودی چرخه عمرشان بسر می‌برند. نظام‌های اقتصادی غربی و کشورهای مقلد این نظام‌ها همگی در ورطه نابودی قرار گرفته‌اند و همگان بدنبال الگوی جدیدی هستند که بتوانند خود و نظام اقتصادیشان را از این مرحله حساس عبور دهند. با توجه به شواهد و قرائن و آنچه که مقام معظم رهبری در سخنان خود مرتباً اعلام می‌فرمایند: الگوی اسلامی- ایرانی اقتصاد، در صورتی که بخوبی و با جدیت طرح ریزی و قالب بندی شود، قادر است خط بطلانی بر تمام الگوهای سرمایه‌داری مورد کاربرد در عصر حاضر باشد.

۲- نقد نظام‌های اقتصادی موجود

سرمایه‌داری در عام‌ترین معنایش تنها از آغاز سده بیستم وجود دارد. شکل‌های ابتدایی سرمایه‌داری تجاری در اواخر قرون وسطی شکوفا شد. سرمایه‌داری از پایان دوره فئودالیسم در دنیای غرب نظام غالب بوده است. به تدریج این نظام از انگلیس به سراسر اروپا گسترش یافته مرزهای سیاسی و فرهنگی را در نوردید. در قرون ۱۹ و ۲۰ میلادی سرمایه‌داری ابزار غالب، ولی نه انحصاری، صنعتی شدن را در دنیا فراهم آورده است. سرمایه‌داری یک نظام اقتصادی است که در آن مالکیت ابزارهای تولید در دست مالکان خصوصی است و از این ابزار (عموماً) برای کسب سود در بازارهای رقابتی استفاده می‌شود. [۴] درآمد در این نظام حداقل دو شکل دارد: سود و دست‌مزد. سود عبارت است از آنچه که به خاطر مالکیت ابزار تولید به کسانی که سرمایه را فراهم می‌کنند، داده می‌شود. در این

نظام؛ زمین، نیروی انسانی و سرمایه در اختیار گروهی از افراد جامعه است که سایر افراد جامعه با استفاده مشروط و غیر رایگان از آن‌ها به تولیدمادی و تولید معنوی می‌پردازند. در نظام سرمایه‌داری: سرمایه‌گزاری، تولید، توزیع، درآمد، قیمت‌گذاری و عرضه مواد و خدمات توسط تصمیم‌گیری‌های شخصی در یک اقتصاد بازار تعیین می‌شود. [۵]

۱-۲- انتقادات به نظام سرمایه‌داری

در نظام‌های سرمایه‌داری غربی کالا برای کسب سود تولید می‌شود و نه لزوماً برای رفع نیاز انسان البته در موارد بسیاری این دو با هم، همپوشانی‌هایی نیز دارند. در قرن بیستم که مفهوم سرمایه نوین شکل گرفت این نظام به نظام سرمایه‌داری انحصاری بدل گردید. در نظام سرمایه‌داری انحصاری یکی از مهم‌ترین اصول نظام سرمایه، که اقتصاد آزاد است، نقض گردیده و رقابت عملاً فقط به چند شرکت محدود تنزل می‌یابد. پیش‌بینی‌هایی که از آینده شده نیز بر ادامه این روند تاکید دارند. [۶] برخی از ادیان الهی (مانند اسلام، مسیحیت، یهودیت) نرخ بهره را که از اصول این نظام می‌باشد حرام می‌دانند. شاید مهم‌ترین ضعف این نظام اقتصادی که خود غربی‌ها نیز به آن اذعان دارند دوره‌های رکود و بحران است که در نهایت پیش‌بینی می‌شود همین عامل به علاوه برخی اعتراض‌ها و اعتصاب‌هایی که در نتیجه این بحران‌ها بوجود می‌آید عامل فروپاشی نظام سرمایه باشد. به عقیده برخی صاحب‌نظران با بروز هر بحران پایه‌های نظام سرمایه‌داری متزلزل می‌شود و در نهایت در خلال یکی از این بحران‌های وخیم اقتصادی با اقدام به اعتصاب و شدت عمل کارگری، مالکیت ابزار تولید از آن معدود مالکانی که بر اثر قانون تمرکز سرمایه باقی مانده‌اند به هیات اجتماعی انتقال داده می‌شود. (نمونه بارز این اعتراض‌ها، اعتصاب در خیابان وال استریت آمریکا در سال ۲۰۱۱ است که برخی پیش‌بینی کرده‌اند این همان اعتراضی است که در نهایت باعث فروپاشی نظام سرمایه‌داری می‌شود) [۷]

۲-۲- کمونیسم و نقدی بر سیستم اقتصادی کمونیسم

کمونیسم یک ساختار اجتماعی- اقتصادی است که تأسیس یک جامعه بدون طبقه، بدون دولت (هیئت حاکمه) بر اساس مالکیت اشتراکی بر ابزار تولید را ترویج می‌کند. معمولاً کمونیسم به عنوان شاخه‌ای از جنبشی بزرگ‌تر به نام سوسیالیسم مطرح می‌شود که خط مشی جنبش‌های سیاسی و روشنفکری گوناگونی است که خاستگاه خود را به آثار مارکس برمی‌گردانند. مخالفان می‌گویند که کمونیسم یک ایدئولوژی است در حالی که مروجان کاملاً برعکس می‌گویند، که تنها نظام سیاسی بدون ایدئولوژی است، چرا که نتیجه منطقی ماتریالیسم تاریخی و انقلاب پرولتاریا است. [۸] نظام‌های کمونیستی تمام اصالت‌ها را به جامعه می‌دهند و برای فرد هیچ اصالتی قائل نیستند. این

نظریه باعث از بین رفتن انگیزه تلاش‌های مضاعف در فرد می‌شود. در عمل نیز شکست در برنامه‌های کشاورزی و کیفیت پایین محصولات تولیدی اتحاد جماهیر شوروی مهر تأییدی بر این مدعاست. مارکس و انگلس هنگامی که از کمونیسم سخن گفته‌اند، جامعه‌ای را مورد نظر قرار داده‌اند که در آن بهره‌آنان‌ها از نعم مادی بر مبنای نیاز آنان عنوان شده است، در حالی که نیاز آدمی را نمی‌توان متوقف کرد. تاریخ اقتصادی جامعه بشری ضمن این که تاریخ پیشرفت تولید است، تاریخ رشد و افزایش نیازهای روزافزون و همه جانبه انسانی نیز هست. در حکومت‌های کمونیستی اگر کاملاً به اصول و شرایط وفادار بمانند تنها تخصص فرد برای ورود در کارها کفایت می‌کند اما به دلیل عدم اعتقاد به خدا و معاد و حسابرسی و در یک کلمه نبود وجدان کاری از سوی فرد هیچ تعهدی در خود نسبت به انجام صحیح وظایف احساس نمی‌کند و از سویی دیگر در معرض انواع فسادها قرار می‌گیرند.

۳- ویژگی‌های الگوی اسلامی اقتصاد که در تدوین الگو باید لحاظ شوند

اصول روش اسلام در توزیع ثروت، در درجه اول، صیانت از عدالت اجتماعی، حفظ حقوق مردم، تقسیم مالکیت به سه بخش (ملی، خصوصی و دولتی) است. در این راستا، به تحریم راه‌های نامشروع مانند ربا می‌پردازد و حل مشکلات اقتصادی را در چهارچوب قوانینی مانند استفاده از عقود اسلامی می‌داند. برخی از این قوانین در ابواب مضاربه، مزارعه، مساقات، بیع، اجاره، جعاله و امثال آن بیان گردیده است. [۹] از ویژگی‌های الگوی اسلامی - اقتصاد باید ۱- جامعیت آن باشد، یعنی هیچ بعدی از زندگی انسان و جامعه در آن مغفول نماند. ۲- توانایی بالقوه و بالفعل انسانی و توانایی‌های مهارتی و مدیریتی او همواره مورد توجه قرار گیرد. ۳- تمام ابعاد زندگی مانند بهداشت، درمان، امنیت، فنی و ... در الگو با هم دیده شود. ۴- الگوی توسعه غربی یک الگوی کاملاً ناموفق و ناقص است؛ چراکه فقط زندگی مادی انسان‌ها را مورد توجه قرار داده و زندگی معنوی و غیر مادی او در این الگو مغفول است. بعد معنوی و مادی و ابعاد دنیوی و اخروی باید با هم در الگوی اقتصادی اسلامی دیده شود. ۵- در الگوی مورد نظر باید معارف اسلامی وجود داشته باشد و باید پاسخ هر آنچه برای پیشرفت اقتصادی می‌خواهیم را از اسلام بگیریم. ۶- برای تدوین الگوی اقتصادی باید از معارف بشری نیز استفاده شود؛ ولی روی قاعده‌ای باید قرار گیرد که باید باشد، که آن مبانی برگرفته از اسلام است. ۷- از آزمون و خطا برای تدوین الگوی اقتصادی و همچنین قرار دادن مبانی سکولاریزم برای این کار بپرهیزیم و تنها مبانی این کار، شریعت اسلام، در نظر گرفته شود. ۸- مهم‌ترین کار برای ارائه الگوی اسلامی - اقتصاد، جابجایی مبانی صحیح که همان اسلام است بجای مبانی حاضر در الگوهای مطرح جهان می‌باشد.

۴- نوآوری در الگوی اقتصاد اسلامی

به منظور رسیدن به بالاترین نتایج در الگوی مطروحه سه پیشنهاد فوق را می‌توان به عنوان نوآوری در این الگو استفاده نمود: ۱- استفاده از پول واحد اسلامی در مبادلات تجاری و بانکی ۲- استفاده از نظام اقتصادی بدون پول در الگوی اقتصاد اسلامی ۳- استفاده از نرخ بهره صفر، با استفاده از نظریه تحریم ربا در اسلام.

۵- مزایای استفاده از پول واحد اسلامی

۱- ارتقای مبادلات تجاری- اقتصادی میان کشورهای اسلامی ۲- همسویی و هم‌نوایی در قبال بازار مشترک اسلامی ۳- پول واحد یکی از ساز و کارهای پولی و مالی برای تشکیل بازار مشترک اسلامی است ۴- بهبود پیشرفت اجتماعی و اقتصادی به صورت متعادل و پایا، ایجاد اتحاد اقتصادی و در نهایت پول واحد ۵- تعمیق همکاری‌های اقتصادی- تجاری، رفع موانع گمرکی و حل مشکلات پولی- مالی پیش روی.

۶- مزایای نظام اقتصادی بدون پول

همکاری بیشتر میان مردم، در مقابل ایجاد رقابت میان مردم، در نظام‌های اقتصادی پولی ۲- کاهش نفوذ کارتل‌های اقتصادی ۳- کاهش دوره‌های رکود که جزء لاینفک نظام‌های سرمایه داری می‌باشد ۴- افزایش قدرت و آزادی افراد. از جمله مزایای یک نظام اقتصادی با نرخ بهره صفر درصد عبارت‌اند از: ۱- شکوفایی اقتصاد اسلامی ۲- بهره‌مندی همگان بطور یکسان از امکانات

۷- نتیجه‌گیری

ما مسلمانان به این پیش فرض اساسی اعتقاد داریم که اقتصاد اسلامی به عنوان نظام مستقل اقتصادی مطرح است و انتظار داریم صاحب‌نظرانی که در اسلام و علم اقتصاد دارای صلاحیت و تخصص هستند، دلسوزانه برای تدوین پایه‌های نظری و تنظیم قالب‌های اجرایی این نظام اقتصادی کوشش کنند. از طرفی گنجینه‌های عظیمی مانند قرآن و سنت پیامبر و ائمه بزرگوار در اختیار داریم که هم راه‌گشایی‌های کلی آن‌ها برای پی‌ریزی نظام اقتصادی مبتنی بر اسلام، کار ساز است و هم در مواردی به طور مستقیم به موضوع‌های اقتصادی اشاره کرده است. با توجه به مباحث مطرح شده پیشنهادات زیر برای تدوین الگوی اسلامی- اقتصاد بیان می‌شود:

۱- عینیت‌بخشیدن به احکام دین‌مبین اسلام در طراحی این الگو ۲- استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود در حوزه و دانشگاه‌ها به منظور تدوین و گردآوری الگوی مورد نظر ۳- قرار دادن چارچوب الگوی مورد نظر در ارزش‌های بیان‌کننده آزادی انسان ۴- دین اسلام شامل ملاک‌ها و اصول ثابت و احکام متغیر است و در تدوین الگوی مورد نظر باید به این نکته اساسی توجه شود ۵- معرفت ما همراه



با جهان‌بینی و متضمن خطاهاست، لذا در تدوین الگوی مورد نظر نباید این موضوع را فراموش کرد که الگوی فوق نیز می‌تواند دارای نقص و کاستی باشد ۶- فرایند دائمی شکوفایی متوازن استعدادهای خداداد انسانی، اجتماعی و طبیعی با رویکرد عادلانه و مشارکت نهادمند مردم حاصل می‌گردد، لذا در تدوین الگوی فوق باید این نکته نیز در نظر گرفته شود ۷- تدوین چهارچوب فلسفی-ارزشی متناسب با نظام فکری مقبول و مقتضیات بومی/ محلی ۸- بررسی انتقادی دیدگاه‌های نظری موجود، رویکردهای رایج و تجارب جهانی ۹- شناسایی، بازتعریف و پردازش عناصر الگوی مطلوب

منابع

- [۱] بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای کمیته تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. (۱۳۸۸)
- [۲] قدیری اصل، باقر. (۱۳۸۷). سیر اندیشه اقتصادی، رؤیایی مکتب‌ها، انتشارات دانشگاه تهران
- [۳] یدادگر کرمانجی، یدالله. (۱۳۸۹). نگرشی بر اقتصاد اسلامی، چاپ دوم. تهران: نشر مدرس
- [۴] پاینده، مهرا. (۱۳۸۸). پویایی سرمایه داری. نشر آمه. چاپ اول
- [۵] Dr John Henry Wadley. (۲۰۱۱). *Economic Theory*. Sage publications.
- [۶] نمازی، حسین. (۱۳۸۶). نظام‌های اقتصادی. نشر نی. چاپ سوم
- [۷] پیروز، علی‌آقا و دیگران. (۱۳۸۴). مدیریت در اسلام. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- [۸] افکاری، جهانگیر. (۱۳۷۵). مکتب‌های اقتصادی. سازمان انتشارات و آموزش اسلامی
- [۹] روزبهان، محمود. (۱۳۷۸). اقتصاد اسلامی. نشر قلم. تهران

